

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین

مترجم: احمد ضیاء رهگذر

۲۸.۰۲.۰۹

## ک. ج. ب. در افغانستان

به ادامه گذشته:

امین به بریالی گفته بود که باید حکم تره کی [ در مورد تفرش به عنوان سفیر] را بدون کدام چون و چرا اجراءنماید و آنانیکه از اجرای این دستور سرپیچی کنند توسط دولت به قتل خواهند رسید، دقیقاً همانطوریکه استالین عمل نموده بود. بریالی اعتراض نموده گفته بود که انقلاب ما ویژگی های خود را دارد و ما نباید کورکورانه تقلید استالین را کنیم. زیرا حتا رفقای حزبی استالین، خود را به طور ضمنی برای اعمالی که استالین مرتکب شده بود، محکوم کرده اند. امین متقابلاً پاسخ داده بود که او صرف به عنوان یک دوست برایش مشوره میدهد ولی او (بریالی) در تصمیم گیریدرباره سرنوشت خود آزاد است.

مبارزه درون حزبی اثرات وخیمی را در پی داشته است. افراد کاملاً وفادار به اتحاد شوروی مورد آزار و اذیت قرار میگیرند، در حالیکه رفقای شوروی شان باید آنها را مورد حمایت قرار دهند. اتحاد شوروی باید قبل از آنکه خیلی دیر شود داخل اقدام شده، رفقای افغان شان را متوجه اشتباه شان بسازد. اما اتحاد شوروی هنوز هم از رهبری "ح.د.خ.ا" و قوای مسلح افغانستان بدون اینکه آنها را متوجه اشتباهات شان ساخته باشد، حمایت میکند. اما اگر در اجرای این امر از جانب شوروی تأخیر صورت گیرد "ح.د.خ.ا." مجبور خواهد بود تا راه حزب کمونیست چین را تعقیب کند که البته این کار به تباهی و بربادی حزب ما خواهد انجامید.

ب.ن. بترايوف<sup>۱</sup> ریزدنت در اسلام آباد، از تقرر بریالی به صفت سفیر در پاکستان، مطلع ساخته شده از او درخواست گردید تا بریالی را در امور دیپلوماتیک و کاری به عنوان سفیرکمک و رهنمائی نماید تا باشد که با اینکار از یک شخص ناراض که از حزب و دولت خود شاکی است، یک سفیر وظیفه شناسی ساخته شود که وظایف اش را آنطوریکه که دولت متبوع اش از او طلب دارد، به افتخار انجام دهد. برای بترايوف این مطلب نیز گفته شد که بین گروه های خلق و پرچم کدام فرق عمده ای وجود نداشته، رهبران پرچم که تحت نام سفرا به خارج فرستاده شده اند در واقعیت لنینیست

B.N. Batrayev

های راسخی اند که خود را وقف سوسیالیزم و ترقی افغانستان نموده و همینطور باقی خواهند ماند. همچنان به بترایوف واضح ساخته شد که در صورتیکه بریالی به انتقاد از تره کی بپردازد نباید نامبرده از او حمایت کند. بلکه در عوض باید او به این نکته اشاره کند که در شرایط فعلی منافع مردم افغانستان ایجاب مینماید تا همه مساعی در جهت تقویت صفوف "ح.د.خ.ا." میذول داشته شود.

هواخواهان ببرک در جریان گفتگو با نماینده های شوروی این برداشت نادرست شان را مطرح میکردند که خلقیها بر اوضاع در افغانستان حاکم نبوده زیرا آنها سرگرم مبارزه با پرچمیها بوده و این عمل خلقیها در آینده نزدیک باعث بدتر شدن هرچه بیشتر اوضاع در "ج.د.ا." خواهد شد. "به نظر ما اینطور قضاوتها یکجانبه بوده صرفاً منعکس کننده نظر هواخواهان ببرک میباشد. از بحث روی مشکلاتی از این قماش باید اجتناب ورزیده نباید کسی در مجادله درون حزبی "ح.د.خ.ا." کشانیده شود."

در جون ۱۹۷۸ تماس ها [اجنتوری] با بریالی (اسم رمزی یا اجنتوری: شیر) مجدداً برقرار ساخته شد. واکنش نامبرده به از سرگیری تماسها با او مشتاقانه بود. او اظهار داشت که امیدوار است تا از سرگیری تماس با او مفید واقع شود.

در ماه سپتمبر به سفیر شوروی [در پاکستان] از طریق وزارت خارجه آنکشور هدایت داده شد تا در صورتیکه سفیر "ح.د.خ.ا." [بریالی] درباره کشمکشهای سیاسی در افغانستان بخواهد با او صحبت کند، باید از طرف سفیر شوروی برایش گفته شود که این موضوع داخلی افغانستان است. همچنان اگر سفیر "ح.د.خ.ا." آرزوی برگشت به کشورش را نداشته باشد باید برایش واضح ساخته شود که اتحاد شوروی حاضر نیست برایش پناهندگی سیاسی بدهد. ریزیدنت "ک.ج.ب." نیز باید به عین شکل عمل مینمود.

موضوع پناهندگی سیاسی در شوروی، توسط بریالی در جریان ملاقات او با بترایوف مطرح گردید که البته با نزاکت رد شد. بریالی اظهار داشت که قصد برگشتن به کابل را ندارد. او از بترایوف خواهش نمود تا به رهبران شوروی بگوید که با وجود تمام مشکلات، او یک کمونیست راسخ و دوست صدیق شوروی باقی خواهد ماند.

بریالی نخست به چکوسلواکیا رفت و در آنجا با ببرک ملاقات نمود. متعاقباً او به مسکو سفر نموده با نیکراسوف<sup>۱</sup> در منزلش تیلیفونی صحبت نمود. بریالی گفت پرچمیها در حالت دشواری قرار دارند، اوضاع کشور غم انگیز بوده، پرچمیها همه با مرگ مواجه اند. او استدعا نمود تا برای نجات ببرک و حامیانش باید اقدامات عاجلی روی دست گرفته شود.

"به نام انسانیت ما را نجات بدهید! به نام انسانیت ما را نجات بدهید!" او در حالیکه گریه میکرد چندین بار این جملات را تکرار کرد "من نمیدانم چکارکنم، من هیچ مرجعی برای حمایت ندارم. رفقای شوروی همه امید ما اند. من نامه ای از ببرک دارم ولی نمیدانم آنرا به کی بسپارم."

جریان این گفتگو به اطلاع سوسلوف و پونیماریف رسانیده شد و آنها هدایت دادند تا از بریالی در شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی پذیرائی به عمل آید. با بریالی آ.گ. پولیاکوف<sup>۲</sup> ملاقات نموده اولیانوفسکی<sup>۳</sup> از ملاقات با او خودداری ورزید.

۱  
Nekrasov

A.G.Polyakov

بریالی شکایت نموده موقوف و برخورد اتحادشوروی در رابطه به قتل کمونیست‌های صدیق در افغانستان را، مورد سؤال قرار داد. او سفیر شوروی پوزانوف را متهم به اشاعه معلومات نادرست در رابطه به افغانستان نموده گفت او [پوزانوف] برای کسب انعامات آماده است جانهای هزاران کمونیست واقعی را قربان نماید. بریالی میخواست اینرا بداند که چرا اکنون مسکو موضوع برگشتن او را به افغانستان، به خودش واگذار نموده است؟ آنها در شرایطی که مسکو خود نمیداند که در افغانستان چه میگذرد. او گفت من در گذشته همیشه از مشوره های رفقای شوروی در امورات حزبی مستفید بوده و هیچگاهی این مشورتها را نادیده نگرفته ام.

بریالی نظر ببرک را در رابطه به اوضاع افغانستان بیان نمود. ببرک به طور خاص از پوزانوف ناراض بود "پوزانوف باید در عین زمانیکه یک سفیر است یک کمونیست نیز باشد. اینکه پرچمها نمیخواهند در مرحله حاضر باعث وخیمتر شدن شرایط انقلابی در کشور شوند، نباید به مفهوم تسلیم شدن پرچمها تلقی شود".

اوضاع در افغانستان در جریان یک، یک و نیم ماه آنچنان تحول خواهد کرد که دیگر به نفع تره کی نیز نخواهد بود. دیگر زمان خوشگذرانی گذشته است. نارضایتی مردم از دولت که همین اکنون مشهود است، توسعه یافته کشورشمول خواهد شد و در فرجام تره کی مورد حمله و انتقاد قرار خواهد گرفت.

نماینده گی "ک.ج.ب" و ریزیدنسی نیز کاستی هائی از این نوع را ملاحظه نموده بودند. در واقعیت رهبری "ج.د.خ.ا." تحت ریاست تره کی و امین نظرات و خواهشات کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش." را مبنی بر بسیج نمودن همه نیروهای دموکراتیک افغان در جهت اعمار مجدد کشورشان، ناشنیده گرفته بود.

در حلقات سیاسی حزب و دولت "ج.د.خ.ا." گفته میشد که امین به خاطر استحکام یافتن هرچی بیشتر موضع اش در حزب، دولت و اردو به مبارزه با پرچمها و خلقهای ناراض دامن میزند. با در نظر داشت خصایل و صفات امین، اینطور به نظر میرسید که او در آینده دست به همچو اقداماتی در برابر تره کی و همکاران نزدیک او نیز بزند. نخستین شگاف بین تره کی و امین در ارتباط با اتاشه نظامی افغانستان در مسکو در اواخر ماه می سال ۱۹۷۸ هویدا گشت. اتاشه نظامی افغانستان در مسکو کامل طره باز<sup>۱</sup> و معاون او در نظر داشتند در عوض عودت به کابل به کشور های غربی بروند. تره کی هدایت داده بود تا آنها تحت مراقبت به کابل فرستاده شوند ولی امین میگفت:

"باید به آنها اجازه داده شود تا به اروپا بروند. زیرا در صورت برگشت به کشور، دولت مجبور خواهد بود آنها را گرفتار نموده، درباره سرنوشت شان در آینده تصمیم بگیرد".

قبل از مسافرت غیررسمی پونوماریوف به کابل، تره کی و امین وارد اقدام شده تعداد زیادی از رقبای سیاسی شان را از قدرت حذف نمودند. آنها با استفاده از اقدامات سرکوبگرانه تعدادی زیادی از رقبای شخصی حزبی و مخالفین شان را دستگیر نمودند. مثلاً به یکی از دشمنان شخصی تره کی، "م.ا. اکبر"<sup>۲</sup> الزام وارد شد که برای سازمان "سیا" کار میکند.

در طول نخستین ماه های بعد از کودتای اپریل، بیست و هفت "دسیسه" کشف گردیده بود. در پانزدهم اگست (شاهپور)<sup>۱</sup> لوی درستیز دستگیر گردید. در هفدهم اگست عبدالقادر وزیر دفاع "ج.د.خ.ا." و به تعقیب آن وزراء و

Uliyanovsky

<sup>۲</sup> نامبرده معاون شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی بود. (ویرایشگر)

<sup>۳</sup> بعداً مشخص گردید که نامبرده سرطیب شفاخانه جمهورییت بوده است. (ویرایشگر)

جنرال شاهپور احمدزی. (ویرایشگر)

دیگر افسران روانه زندان گردیدند. این سیاست تره کی و امین که به منظور کسب هر چه بیشتر قدرت، میخواستند کسانی که در این راه سد واقع میشوند را محو نمایند، دیگر کاملاً هویدا گشته بود.

در کابل این اندیشه وجود داشت که شوروی به افراد وفادار به خود خیانت میکند. زیرا با وجود اینکه شوروی به افغانستان کمک مینماید، مانع برکناری و محو افراد وفادار به خودش نشده است. به طور مثال قادر، شخصیکه در کودتا های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ نقش مهم و عمده ای را به عهده داشت میتواند مثالی باشد از این افراد.

به قول تره کی بازداشت شدگان در یک زندان مخصوص نگهداری میشدند که صرف یک تعداد محدودی از موقعیت آن آگاهی داشتند. تره کی به سفیر پوزانوف اظهار داشت:

"اکثریت زندانیان در آستانه خودکشی قرار دارند. هدایت خودکشی نموده است. دسیسه سازان مایل نیستند حقایق و معلومات جدید را در اختیار ما بگذارند به همین دلیل دست به خودکشی میزنند. قادر تا اکنون اعتراف نکرده است ولی اقرار نموده که اشتباهاتی را مرتکب شده است. وظیفه ما اکنون اینست تا رهبری سیاسی دسیسه سازان را افشاء سازیم و بدانیم که، چه کسی در عقب قادر و شاهپور قرار دارد و ما اطمینان داریم که به این امر نایل میشویم". شاهپور در حالت افسردگی دماغی قرار داشته متواتر گریه میکرد. او تقاضا مینمود تا به صورت فوری از بین برده شود.

عزیز، رئیس سازمان استخبارات، به شکل محرمانه چنین گفت: تحقیقات از زندانیان صرف زمانی صورت میگرفت که متهم میتوانست اسناد و مدارک ارائه کند و اما متباقی زندانیان به قتل میرسیدند. پیروان خمینی<sup>۱</sup> و اعضای سازمان برادران مسلمان<sup>۲</sup> باید در همان مرحله اول به قتل میرسیدند.

بنابر دستور عبدالاحد ولسی منشی اول کمیته ولایتی و ولایت بلخ در ماه می سال ۱۹۷۸ به تعداد نه صد تن از اهالی آنولایت تحت نام ضد انقلاب دستگیر شدند. بازداشت شدگان در مزار شریف به زندان افگنده شده، مورد شکنجه قرار گرفته بودند. قرار بود یک هیأت جهت تحقیق درباره فعالیتهای ضد انقلابی آنها تعیین گردد. جهت انتقال آنها به کابل در اواسط ماه جون مکتوبی بدانجا ارسال شد. اما در جریان یک محاسبه روشن گردید که تعداد زندانیان کاهش یافته زیرا به تعداد ۵۰ تا ۶۰ تن آنها هرشب در اطراف فرقه ۱۸ پیاده که در شهر مزار شریف<sup>۳</sup> موقعیت داشت، تیرباران شده بودند. دستگیرشدگان و ادار میشدند تا با دستهای خود برای خود قبرحفر کنند. کدام احصائیه دقیقی که بتواند تعدادی دقیق زندانیان را برملا سازد، نیز وجود نداشت. اما از طریق محاسبه نمودن مصرف مواد غذایی این واقعیت نمایان شد که تعداد زندانیان همه روزه بین ۳۰ تا ۷۰ تن کاهش یافته است. اداره زندان [ برای مردم ] توضیح میداد که گویا زندانیان به اورال و سایبریای شوروی به خاطر بیگار فرستاده شده اند، و از آنجا پارسلهای مملو از مواد مختلف از جمله صابون را برای وابستگان شان فرستاده اند. نامه هایشان که در بین صابون مخفی شده بود حاکی از شرایط دشوار زندگی و کار طاقت فرسا بوده است.

---

۱ روح الله خمینی رهبر سیاسی و مذهبی شیعه ها و رهبر انقلاب ۱۹۷۸ ایران که باعث طرد رضا شاه پهلوی از قدرت شد. (ویرایشگر)

۲ جماعة الاخوان المسلمین سازمان سیاسی - نظامی در مصر در سال ۱۹۲۹ توسط حسن البنا تأسیس گردید. ایدئولوژی این سازمان را پان اسلامیزم و هدف آنرا تطبیق قوانین اسلامی در همه ساحات اجتماعی و سیاسی زندگی مسلمانان تشکیل میدهد. (ویرایشگر)

۳ شهر مزار شریف در نواحی مرکزی شمال افغانستان موقعیت دارد. (ویرایشگر)

در اگست سال ۱۹۷۸ تره کی به پوزانوف از کشف یک توطئه که علیه دولت چیده شده بود اطلاع داد. کشورهای چین، امریکا، ایران، پاکستان، عربستان سعودی و جمهوری فدرالی المان در این توطئه دخیل دانسته میشدند. ( در اینجا چهار کلمه حذف شده است ). کودتاچیان در نظر داشتند تا تره کی و امین را از بین برده رهبری جدیدی را انتخاب نمایند. این موضوع توسط لوی درستیز اسبق "شاهپور" و "م.ا. اکبر" سرطیب شفاخانه جمهوری که هر دو در توقیف بسر میبردند افشاء گردیده بود.

امین گفت:

"دولت اکنون اعترافات اکثریت دستگیرشدگان را به دست آورده است. حزب توانائی اینرا نداشت که از "قادر" یک مارکسیست - لینینیست واقعی که بتواند در برابر دشواریها ایستاده گی نماید، بسازد. و این یک اشتباه بود."

پوزانوف با برخی از نتیجه گیریهای امین موافق بوده گزارشی را به این شکل به مسکو فرستاد:

"ما به این باوریم که قادر هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده، احمق و متمایل به ماجراجویی بوده است. به باور ما این اقدامات رهبری "ح.د.خ.ا." باعث تقویت دولت انقلابی شده، باعث متاثر شدن بیشتر قوای مسلح افغانستان توسط حزب خواهد گردید."

امین به پوزانوف و وی.خزروف<sup>۱</sup> اطمینان داد که او از دریافت پیشنهادات رفقای شوروی همیشه خرسند بوده، و از آنجائیکه مبارزه با پرچی ها شباهت به مبارزه بلشویکها با منشویکها دارد، علاقمند است تا از تجارب "ح.ک.ا.ش." در این عرصه بیاموزد.

تره کی رقبایش را حذف نموده موضعش را تقویه کرد. او خواست با مردم نزدیک گردد و به همین منظور به نمازهای جمعه اشتراک نموده و بیانات رادیویی خود را با ذکر بسم الله الرحمن الرحیم آغاز میکرد.

بنابر محاسبات ریزیدنسی گروپ پرچم در قوای مسلح دارای ۵۰۰ عضو و ۱۲۰۰ حامی بود در حالیکه جناح خلق بتعداد ۴۷۰ عضو و ۱۱۰۰ حامی بود. در میان غیرنظامیان، پرچم دارای ۵۵۰۰ عضو و خلق دارای ۵۴۰۰ عضو بود.

در اواخر جون سال ۱۹۷۹ تعداد اعضا "ح.د.خ.ا." در قوای مسلح به ۳۰۰۰ تن و در میان غیرنظامیان به ۱۴۰۰۰ تن میرسید. قدرت حزبی در دستان تره کی و امین متمرکز بوده آنها حاضر نبودند تا کشور را به شکل مشترک اداره کنند. آنها توریته حزب را تنزیل داده، پیشنهادات اعضای شورای انقلابی، کمیته مرکزی و وزراء را نادیده میگیرفتند. آنها از پرنسپهای مارکسیزم - لینینیزم پیرامون زندگی حزبی و ساختار دولت فاصله میگرفتند.

در این هنگام دسته های وابسته به تره کی و امین تشکیل شده بود.

حتا قبل از این مسایل ریزیدنسی ملاحظه نموده بود که امین، تره کی را با لنین مقایسه نموده، تاریخ "ح.د.خ.ا." را تحریف کرده به حوادث بیست و هفتم و بیست و هشتم اپریل ۱۹۷۸ شکل یک انقلاب را داده بود. در محفلیکه به خاطر پذیرائی از یک هیات "ک.ج.ب." تحت ریاست "وی. کریچکوف" رئیس بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." گرفته شده بود، تره کی انقلاب ثور در افغانستان را با انقلاب اکتوبر در شوروی چنین پیوند داد: [ در انقلاب اکتوبر] قدرت به سرعت غضب گردیده، مبارزه درون حزبی بلشویکها در مقابل منشویکها و انقلابیون سوسیالیست صورت گرفت. در افغانستان ما مشغول مبارزه به خاطر ایجاد یک حزب واحد و یکپارچه استیم. تره کی گفت:

" ما به تجار بیکه از سیستم چند حزبی در بعضی از کشور های سوسیالیستی وجود دارد احترام میگذاریم. ولی ما ترجیح میدهم تا پیرو مدل شوروی باشیم. هر آنچه امروز در افغانستان اتفاق میافتد سرآغاز مرحله دیکتاتوری پرولتاریا بر مبنای مدل شورویست".

در گزارشی که ریزیدنسی در جنوری ۱۹۸۱ به مرکز فرستاد گفته شده بود که تعدادی از اعضای گروه خلق هنوز هم به ستودن شخصیت تره کی<sup>۱</sup> و نقش مذکور در ایجاد "ح.د.خ.ا." ادامه میدهند. در اردو درباره پرچمیها شایعات ذیل پخش گردیده:

پرچمیها مؤقلاً قدرت را به دست آورده بودند. پرچمیها در عملی نمودن دساتیر آمرین شان کارشکنی نموده مشغول مبارزه علیه دولت بودند. دلیل اینکه ببرک علیه تره کی حرفی نمیگفت، هراس موصوف از رفقای شوروی بوده است. مذاکرات ببرک با شورویها نمایانگر این مطلب بود که پرچمیها دارای موقف روشنی در قبال مشکلات حزبی نبوده، برداشت درستی از اوضاع کشور نداشته، مشوره هایشان اکثراً متناقض بوده است. "ک.ج.ب." چندین بار از طریق نماینده هایش با حفیظ الله امین که از جریان فعالیت ارگانهای امنیتی نظارت میکرد تقاضا نمود تا به پیگرد افراد خاتمه بخشیده، یک تعداد زیادی از اجنتهای "ک.ج.ب." و اشخاص ارتباطی مورد اعتماد شوروی را از الزامات وارده بر آنها مبنی بر خیانت و انجام فعالیتهاى ضد دولت مبری ساخته، آزاد سازد.

به امین گفته شد که این افراد کارهای مؤثری را برای منافع اتحاد شوروی انجام داده اند و بدین وسیله برای تقویت دوستی افغان - شوروی و انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان کمک نموده اند. در جمع اشخاص یاد شده اسمهای "ح. شرق"<sup>۱</sup> سابق معاون صدراعظم در زمان محمد داوود، "صمد اظهار" قومندان اسبق ژندارم و پولیس، "محمد رفیع"<sup>۲</sup> وزیر کار و امور اجتماعی و سابق عضو شورای انقلابی، "عبدالسلام معاون" اسبق وزیر تجارت، "قادر" وزیر دفاع و تعداد زیاد دیگر وجود داشت.

"اسد الله" رئیس آگسا به نمایندگی از امین در جواب به این درخواست گفت:

"زندگی بعضی از اشخاص ارتباطی شما که فعلاً در بازداشت به سر میبرند تضمین خواهد شد و آنها در طول مدت پنج سال رها خواهند گردید". امین شخصاً آماده به نظر میرسید تا آنکه از افغانهایی راکه نزد رفقای شوروی شناخته شده بودند و یا آنها بیکه دوستان اتحاد شوروی پنداشته میشدند، از زندان رها سازد. اما با وجود این او زبان به شکایت گشوده گفت:

"در کشور ما دستگاه جدید دولتی ایجاد شده و یک سلسله تغییرات اقتصادی - اجتماعی در جریان است. ولی بعضی از متخصصین شوروی خصوصاً آنانی که سالیان متمادی در جریان حاکمیت رژیم قبلی در افغانستان خدمت کرده اند و اکنون دوباره وارد کشور شده اند، نمیتوانند ببینند که در کشور ما چی تغییراتی رونما شده است. در واقعیت آنها نمیتوانند بیطرفانه به قضایا بنگرند، زیرا آنها دارای دیدگاه ثابتی اند"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> تره کی در سال ۱۹۷۹ بقتل رسید. (ویرایشگر)

<sup>۲</sup> محمد حسن شرق. (ویرایشگر)

جنرال محمد رفیع عضو جناح پرچم "ح.د.خ.ا."، وزیر کار و امور اجتماعی (می - اگست) ۱۹۷۸. بعداً در زمان ببرک کارمل: عضو شورای انقلابی بعد از سال ۱۹۸۱، و وزیر دفاع (۱۹۸۰-۱۹۸۲) و (۱۹۸۶-۱۹۸۸). ویرایشگر

در صحبتیکه پوزانوف با تره کی در ششم اگست داشت نامبرده به نمایندگی از آمرینش از تره کی تقاضا نمود تا از اعدام کشتمند<sup>۱</sup> و رفیع که هر دو در بازداشت به سر میبردند، صرف نظر نماید. تره کی در جواب گفت: "جرم آنها سنگین است. آنها توطئه نموده در همکاری با امریکا و چین طرح یک کودتا را ریخته بودند. میدانم که خشونت به عنوان یک وسیله، وسیله ایست خشن و سنگین ولی لنین بما آموخته است که در برابر دشمنان انقلاب نباید از عفو و بخشش کار گرفت. در شوروی در امر تأمین پیروزی انقلاب اکتوبر باید میلیونها انسان از بین برده میشدند. اگر از خشم و سرکوبی با قاطعیت استفاده شود، آنطوریکه دیروز در برابر شورشی که در کابل برپا شده بود از آن استفاده گردید، نتیجه آن واضح و روشن است که چی خواهد بود".

"ب.ن. پونیماریف" از ۱۷ الی ۲۰ جولای ۱۹۷۹ به منظور رهنمائی [افغانها] سرگرم بازدید از کابل بود. پنجشیری<sup>۲</sup> وزیر فواید عامه در یک گفتگوی محرمانه از اینکه پونیماریف نتوانسته بود با اکثریت فعالین حزبی ملاقات نماید، اظهار تأسف نمود. پونیماریف صرف به ملاقات با تره کی و امین بسنده نموده حتی نتوانسته بود با همه اعضای بیروی سیاسی حرف بزند. پنجشیری تذکر داد که "همه تصامیم در بیروی سیاسی توسط دو شخص یعنی تره کی و امین اتخاذ میشود. پیشنهاداتی که توسط امین صورت میگیرد توسط تره کی مهر تائید روی آن گذاشته میشود و سایرین فقط به تماشاجبانی شباهت دارند که باید کف بزنند. هیچکسی تا اکنون جرأت اینرا نداشته است تا بر علیه تره کی و امین حرفی به زبان آرد. زیرا بیم این وجود دارد که برچسپ دشمن انقلاب را به دست آورد. سیاستهای تره کی و امین موجب ایجاد مقاومت گسترده شده است. اشخاص بیگناه، بدون هیچ دلیلی، شبانگاه درمقابل چشمان گریان خانم و اولادهایشان گرفتار میشوند".

اشتباه پونیماریف توسط "ب.س. ایوانوف"<sup>۱</sup> جبران گردید به این شکل که نامبرده در بیست ونهم جولای با دستگیر پنجشیری (اسم رمزی یا اجنتوری: ریچارد) ملاقات نموده به او راجع به نامه ای که از جانب کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" عنوانی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." فرستاده شده بود و توسط پونیماریف رسانیده شده بود، معلومات داده شد. پنجشیری از اعتمادیکه نسبت به او صورت گرفته بود تشکر نموده اطمینان داد که او با کار خستگی ناپذیر به نفع کشورش در جهت تقویت دوستی بین احزاب و کشورهای برادر خواهد کوشید. او افزود تلاشها و اقداماتی که اکنون به خاطر مطیع ساختن بدون قید و شرط مردم در برابر دساتیر تره کی و امین صورت میگیرد به هیچ صورت نمیتواند اشتباهات گذشته را جبران کند و یا درنورمال ساختن اوضاع کشور مفید واقع شود. ریزیدنسی از این معلومات "ریچارد" شدیداً قدردانی نمود.

---

از حرفهای امین چنین برمیآید که موجودیت "ک.ج.ب." که در گذشته با یک تعداد افغانها ارتباط اجنتوری داشت باعث شده است تا امروز این افراد به شخصیتهای مهم دولتی و سیاسی مبدل شوند. (مؤلف).

سلطانعلی کشتمند عضو جناح پرچم و وزیر پلانگذاری در اولین کابینه "ح.د.خ.ا." موصوف بعد از انقلاب ثور مانند تعدادی دیگری از رهبران پرچمی زندانی گردیده محکوم به مرگ گردید. بعداً جزای اعدام او به ۱۵ سال حبس تعدیل گردید. بعد از به قدرت رسیدن بیرک کارمل کشتمند دوباره عضویت بیروی سیاسی را کسب نموده سال بعد به عنوان صدراعظم تعیین گردید. (۱۹۸۱ - ۱۹۸۸). (ویرایشگر)

غلام دستگیر پنجشیری قبلاً معلم ادبیات در دارالمعلمین کابل که بعداً به یکی از چهره های شناخته شده دولتی و حزبی مبدل شد. (ویرایشگر).

Boris S. Ivanov  
جنرال سابقه دار "ک.ج.ب." و بلند پایه ترین افسر "ک.ج.ب." در افغانستان که از بهار ۱۹۷۹ در افغانستان ایفای وظیفه مینمود. (ویرایشگر).

تره کی به تاریخ بیست و هفتم جولای ۱۹۷۹ یک سلسله تغییرات دیگر را نیز وارد تشکیلات دولت نمود که بر مبنای آن امین مجدداً مسؤولیت قوای مسلح را عهده دار گردید. یوزانوف، ایوانوف و ل.ب. گوریلوف<sup>۲</sup> سرمشاور نظامی شوروی نزد تره کی رفته خواستار توضیحات در این مورد شدند. امین از افراد خودش پرسید که چرا رفقای شوروی با این شتاب خواستند تره کی را ملاقات کنند؟ بعداً او خودش جواب داد که " مطمئناً آنها نگران تغییرات تشکیلاتی اند که وارد ساختار دولت شده است زیرا ما برای آنها در این مورد از قبل معلومات نداده بودیم ". در گزارشی که به مسکو فرستاده شده بود آمده بود که امریکانیها تغییرات وارده در دولت را نشانه ای از درماندگی دولت [افغانستان] برای بیرون رفت از وضعیت کنونی خوانده اند. امین در صورت مهار نشدن شورشیان، موقف گوسفند قربانی را به خود خواهد گرفت و این خطر بزرگی خواهد بود که امین را تهدید مینماید. ایوانوف بعد از ملاقاتش با امین به تاریخ بیست و نهم جولای تلگرام ذیل را به مسکو فرستاد

" اینطور به نظر میرسد که تره کی از پیامی که ما به او فرستاده ایم به امین معلومات دقیق نداده است. احتمالاً علت اینکار تره کی این بوده تا تره کی برای امین بفهماند که شوروی به او احترام زیادی قایل است ".

در این هنگام رهبران افغان و نمایندگان شوروی به طور قابل ملاحظه ای ناسازگار شده، افغانها تا حدودی به شکل خودسرانه و بدون مشوره عمل میکردند.

در مقابل مشاورین و متخصصین شوروی وظیفه گرفتند تا معلومات مکمل و مفصل بیشتری را درباره فعالیت‌های افغانها جمع آوری نمایند. همچنان در تعداد نماینده های "ک.ج.ب." نیز افزایش به عمل آمده پنج تن از معاونین نماینده های "ک.ج.ب." جهت جمع آوری معلومات در بخشهای استخبارات، استخبارات نظامی، امور سرحدات و کارکردهای وزارت امور داخله گماشته شدند. ساحة فعالیت معاون اول نماینده "ک.ج.ب." [ که جهت همکاری با رهبری تعیین شده بود] را نظارت بر کار ریاست آگسا تشکیل میداد.

یک گروه خاص معلوماتی و تحلیلی تشکیل شده و بنابر فیصله خاص بیروی سیاسی در مارچ ۱۹۷۹ جنرال ن.س. ویسیلکوف<sup>۱</sup> به عنوان مشاور وزارت داخله شوروی به وزارت داخله افغانستان تعیین شده در جمع مشاورین دیگر افزود گردید. هیأت‌های مختلف برای ملاقات با اشخاص مختلف به افغانستان فرستاده شد تا باشد بدین وسیله روی افغانها تاثیر گذاشته شود. در ماه های می و جون یکی از این نوع هیأتها تحت ریاست ی.ی. دروزدیتسکی<sup>۲</sup> رئیس پرسونل وزارت داخله و ا.ی. [ایلین]<sup>۳</sup> رئیس یکی از شعبات آن وزارت به ژندارم و پولیس افغانستان فرستاده شد.

مشاورین [شوروی] بسیار فعال بوده در همه امورات وزارت خانه ها از کاوش و تجسس کار میگرفتند. یکی از این مشاورین ن.ک. گریچین بود او میگفت " میخوام مانند سایه وزیر باشم " تا با وزیر پلان یکجا بخشهای مالی و

(ویرایشگر). Lt.-Gen. Lev. N. Gorelov.

N.S.Veselkov

این همان فردیست که در هنگام ماموریتش به عنوان افسر ارتباطی در نماینده گی "ک.ج.ب." در وزارت داخله جمهوری آلمان دموکراتیک به جرم دسیسه سازی و معاملات غیرقانونی مجرم شناخته شد. او به کمک همکاران آلمانی خود مقدار زیاد اجناس قیمتی را به مسکو به وزیر داخله اتحاد شوروی شخولوکوف، فرستاده بود. ی.آ. فدیوکین نماینده "ک.ج.ب." توسط (مثیلک) اطلاع حاصل نمود که آنده از آلمانیهاییکه در این معامله دخیل بودند، دستگیر گردیده و محاکمه میگرددند. دروزدیتسکی به مسکو فرا خوانده شده به جای اینکه به محاکمه کشانده شود ویا به زندان گولاگ فرستاده شود به وزارت امور داخله اتحاد شوروی تقرر حاصل نمود. وزیر داخله او را به عنوان کمیسار که معادل رتبه جنرالی است مقرر نمود.

A.I. [Ilyin]



اقتصادی را به پیش ببرم، می‌خواهم در قسمت اجرای برنامه‌ها و حتی طرح برنامه‌ها با او باشم و در نهایت می‌خواهم در همه امورات وزارتخانه با وزیر به شکل مساویانه مسؤولیت داشته باشم. او پیشنهاد مینمود که باید در همه امورات توافق بین وزراء و مشاورین موجود باشد. عبدالکریم میثاق عضو بیرونی سیاسی و وزیر مالیه اعتراض معقولی نموده گفت " این یک وزارتخانه است نه ملل متحد!".

این درخواست که برای مشاورین باید نقش مهمتری داده شود توسط افغانها با حیرتزدگی مشهود و حتا با آزرده‌گی بدرقه شد. گریچین پیشنهاد مینمود تا به خاطر چگونگی برخورد با موضوعات مهم وحاد باید یک کمسیون دایمی جهت اداره نمودن کارها در وزارت تجارت تشکیل شده، مشاورین به عنوان اعضای این کمسیون تعیین گردند. میثاق بار دیگر منطقی استدلال نموده گفت :

" تمنا میکنم شیوه‌های بیروکراتیک تان را به وزارتخانه‌های افغانستان نیآورید. زیرا ما به قدر کافی از خود بیروکراسی داریم و ضرورت به وارد نمودن بیشتر آنرا لازم نمی‌بینیم. از شما تقاضا میکنم از گرفتن صلاحیتها و وظایف وزراء و انتقال آن به هر نوع کمیسونی که باشد، خوداری نمائید. وزراء باید کاملاً مسؤول فعالیتهای وزارتخانه‌های خود باشند و هیچ نوع کمیسونی نباید جای وزراء را بگیرد".<sup>۴</sup>

میثاق به طور آشکار این نظریه را بیان نمود که اتحاد شوروی باید به جمهوری دموکراتیک افغانستان کمکهای بیشتری در امر " پیاده نمودن سوسیالیزم در ظرف مدت سی ماه " را نماید. "ک.ج.ب." به این باور بود که این نظریه نشانه‌ای از وابستگی افغانستان به اتحاد شوروی است که [ ممکن ] مایه‌بدنامی کمکهای اتحاد شوروی شود. به این دلیل تصمیم گرفته شد تا میثاق را بی اعتبار اعلام نمایند. میثاق در جنوری ۱۹۷۹ در مسکو در حضور رهبران افغان و کشورهای دیگریکه از مساعدتهای "ک.ج.ب." مستفید میشدند، مصالحه نمود. رهبران افغان ناآگاهانه تحت تاثیر سخنان میثاق قرار گرفته بودند. به رهبران افغانی گفته شد که میثاق تقاضای های نامعقولی مبنی بر دریافت کمکهای اتحاد شوروی را مینماید در حالیکه افغانستان توانائی جذب اینوع کمکها را ندارد. میثاق دشمن شوروی بوده در کارهایش از مائوئیسم الهام میگرفت.

به همین ترتیب زوتوف مشاور وزیر مالیه در مقابل غوربندی<sup>۱</sup> وزیر تجارت و عضو شورای انقلابی بسیار خشن بود.

اما افغانها نیز به نوبه خود از عدم لیاقت مشاورین نظامی شوروی اظهار نارضایتی میکردند. امین شخصاً از عملیات نظامی که در اواخر سال ۱۹۷۸ در دره کامدیش اجرا شد اظهار نارضایتی مینمود.

" قوای افغان تحت رهبری مشاور بریانسکین از دیرزمانی عجز شانرا در امر مهارکردن باندهای ضد دولتی اثبات کرده اند. ما به مشاورین شما در رهبری قوای مسلح صلاحیت های زیادی داده، آنانیکه از اجرای مشوره های مشاورین شما ابا میورزیدند را مجازات نمودیم. ولی چیزی را که آموختیم این است که همه مشاورین شما افرادی به قدر کافی لایق نیستند. ما میدانیم که در کشور شما تعداد جنرالان با تجربه ای که ما به آنها ضرورت داریم کم نیست. آنها باید مورال رزمی قوای مسلح ما را بالا برده به اردوی ما جنگیدن را بیاموزانند و بگذارند اردوی ما از تجارب

۴

ضرب المثل افغانی است که میگوید داشته آید به کار، امین افغانها را تشویق مینمود تا از شوروی تقاضای کمک بیشتر را نمایند. او میگفت: "شوروی ها آماده اند برای ما کمک بیشتر نمایند. از آنجائیکه افغانستان اهمیت بیشتری برای شورویها دارد تا اهمیت شوروی برای افغانها، شوروی آماده فداکاری بیشتر [ کمک بیشتر ] است." ( مولف )

۱

عبدالقدوس غوربندی. (ویرایشگر)

جنگی آنها مستفید شود". با اشاره به گوریلوف امین به جنرال زپلاتین<sup>۱</sup> گفت " معامله با رهبر فعلی شما خیلی دشوار بوده معاون او خرامچینکو توانائی اخذ تصامیم جدی را ندارد".

افغانها همچنان از شیوه زندگی واقعی شورویها نیز مایوس شده بودند. اجنت افغان رکاس<sup>۲</sup> میگفت او شخصاً ارتشاء را به پیمانۀ وسیعی در اتحاد شوروی مشاهده کرده است. او زمانی را به خاطر میآورد که خانمش در شفاخانه بوتکین در مسکو بستر بود. دوکتوران و سایر کارمندان شفاخانه ننتها منتظر گرفتن رشوه از آنها بودند بلکه از تاخیر ورزیدن در کارها و سایر شیوه ها نیز استفاده میکردند که تا بتوانند پولی به دست آورند.

اما ناراضایتی و شکایت در نزد شورویها نیز وجود داشت که البته به شکل دیگری ارائه میشد. باری یک نامه گمنام به کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش". مواصلت نمود. در این نامه آمده بود که شخص سفیر پوزانوف، مشاور نظامی گوریلوف، و نماینده "ک.ج.ب." اوسکادچی پیمانی را به وجود آورده و به خاطر منافع و مقاصد شخصی از اصول حزبی انحراف میورزند. آنها سرگرم عیاشی و باده نوشی اند و دارائی های سفارت را به یغما برده به جیب خود ریخته اند. آتشۀ نظامی و قونسول مکاتیب و صورت حسابهای نادرست را ارسال داشته به مامورینی که مسؤولیت بازرسی صورت حسابها را دارند شراب و رشوه میدهند. رشوه خوری به یک پدیده عادی و معمولی مبدل شده تحایف و بخشش از متخصصین افغان و شوروی جبراً اخذ میشود. مسؤول سازماندهی حزبی که از جانب کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش." فرستاده شده است نیز در فکر غنی ساختن خودش است. افرادی که در این موارد با آنها همکاری نکنند مورد انتقام جوئی قرار گرفته دوباره به کشور شان فرستاده میشوند. نویسنده نامه از مرگ داوود ابراز تأسف نموده از او به عنوان " مرد ما که در مرکز قرار داشت " یاد نموده بود. نویسنده رهبری جدید ( افغانستان ) را نفرین کرده بود.

اردوی شوروی در جریان اجرای وظیفه انترناسیونالیستیش بی نظم و بی دسپلین گشته بود. به طور مثال در فرقه بیست و پنج که در شهر خوست مستقر بود محفلی توسط چهار ترجمان به خاطر تجلیل از سالگرد فراغت شان برپا شده بود. در این محفل به علاوه سایر مهمانان دگرمن کالینین مسؤول شعبۀ استخبارات، گوروفیس مسؤول محافظین سرحدی، جگرن ن.س. سیمینچینکو قومندان فرقه پنجاه ونه زره دار و ن.ا.کروس<sup>۱</sup> قومندان فرقه نیز حضور داشتند. در این محفل الکهول به قدر وافر موجود بود و همه از موقع استفاده نموده مست کرده بودند. آنطوریکه در همچو حالات اتفاق می افتد در اینجا نیز نخست یک جر و بحث آغاز یافت که بعداً داغ شده و در نهایت از چوکات ادب خارج شد. در این هنگام بریدمن صدیقوف از بکتبار از موقع استفاده نموده عقده های دلش را خالی نمود. او از طرف افسران بالاربتیه خود به خاطر ترجمه نمودن نادرست مورد انتقادات خشن قرار گرفته بود. صدیقوف در حالیکه به خشم آمده بود شروع به دشنام دادن مشاروین نمود. او بعداً ماشینداری را قاپیده همه را تهدید کرد.

---

Maj. Gen. Vasiliy P. Zaplatin  
(ویرایشگر).

Rakkas جیلانی باختری وزیر زراعت در دولت محمد داوود. (ویرایشگر)

Kalinin, Gorofes, N. S. Semenchenko & N. A. Krus.

بعد از آنکه او توسط بریدمن مالولیکتین<sup>۲</sup> خلع سلاح گردیده بود به اطاق دیگری منقل شد تا استراحت نماید. اما صدیقوف ساعتی بعد از خواب بیدار شده به اطاق نوکریوال رفته فریاد نمود " آیا شما فکر میکنید که از مادروطن دفاع میکنید؟

بلی؟ نخیر شما همه خائن هستید! ". او همینطور به فریاد زدن ادامه داد. آنچه را آدم هوشیار فکر میکند آدم مست بروز میدهد.

اشخاص حاضر در محل به حالت آماده باش درآمدند. کیسیلیوف، ریابچینسکی و کوستین، او را به اطاق دیگر برده خواستند با او حرف بزنند. ولی ساعتی بعد باز هم سرو کله صدیقوف مسلح با ماشیندار ثقیل نمایان گردید. در حالیکه او هنوز هم تحت تاثیر ودکا و واین قرار داشت به شلیک نمودن آغاز نمود. او از دهلیز به بیرون رفته مسلسل شلیک مینمود. در این جریان سیمینچینکو به قتل رسیده مالولیتکین و یک سرباز افغان مجروح شدند. از این موضوع س.پ. تووشکین معاون سرمشاور نظامی مطلع ساخته شده و به مقامات بالائی نیز این ماجرا گزارش داده شد.

به خانواده سیمسنچینکو گفته شد که موصوف در حالیکه وظیفه انترناسیونالیستی اش را اجرا مینمود به شکل قهرمانانه جانش را از دست داد.

ادامه دارد

یادداشت: در تمام کتاب نویسنده اسم رسمی دولت افغانستان را "ج. د. خ. ا." ذکر نموده است. این نامگذاری درست نبوده اسم رسمی دولت افغانستان در آن زمان "جمهوری دموکراتیک افغانستان" (ج. د. ا.) بود.